

پیامدهای سیاسی آیین پیاده‌روی اربعین

فرامرز میرزازاده / گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران / f.mirzazade@gmail.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹

چکیده

آیین‌ها جزئی از فرهنگ هر جامعه است که تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به جهان هستی و شیوه زیست را در خود حمل می‌کنند و در جوامع دینی دارای منشأ اعتقادی‌اند. تفاوت موجود در برداشت شیعه و سنی از جانشینی پیامبر اسلام ﷺ دو فرهنگ متفاوت زندگی را پرورش و گاهی مواقع در مقابل هم قرار داده است. فرهنگ عزاداری حماسه عاشورا و اربعین در میان شیعیان، وجه تمایز اصلی این برداشت اسلامی است که امروزه در آیین پیاده‌روی اربعین تجلی می‌یابد. پس فهم این آیین و تبیین پیامدهای سیاسی آن برای نظامی که از آموزه‌های اعتقادی آن الهام می‌گیرد، اهمیت دارد. اما تفسیر امری آیینی و فرهنگی، به امری سیاسی به‌راحتی میسر نیست؛ بنابراین، ضرورت دارد آیین پیاده‌روی اربعین در چارچوب هرمنوتیک هم چون متن / پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی، فهمیده و سپس در قالب نظریه بسیج منابع تحلیل شود تا پیامدهای سیاسی‌اش تبیین گردد. از این رو، در این تحقیق از چارچوب نظری تلفیقی استفاده کرده و بعد از تبیین موضوع، به این نتیجه رسیده‌ایم که با تقویت ظرفیت حق‌جویی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی نهفته در آیین پیاده‌روی اربعین، می‌توان بر فطرت سلیم انسان‌ها، از همه ادیان و مذاهب، اثر گذاشت و بر تعداد طرف‌داران و عاملان این آیین افزود. نتیجه نهایی این امر، افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: پیاده‌روی اربعین، هرمنوتیک فلسفی، نظریه بسیج منابع و شیعه.

مقدمه

آیین‌ها، شعائر و مراسم مذهبی، فی‌نفسه، نشان‌دهنده تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به جهان هستی و شیوه زیست‌جوامع و گروه‌هاست. تفاوت موجود در برداشت‌های دینی مذاهب شیعه و سنی که به صورت بارز از جریان سقیفه شروع شده و در طول تاریخ اسلام افت‌وخیزهای زیادی را به خود دیده است، نشان از جهان زیست و فرهنگ متفاوت دارد. شیعیان به دلیل فهم نصبی و نصی از تعیین امام، دارای فرهنگی‌اند که همواره اکثریت اهل سنت آنان را به حاشیه رانده و تحت ستم و حتی تحت تعقیب و آزار قرار داده‌اند؛ بنابراین، از هر ابزاری برای ابراز اعتراض و مخالفت خود علیه وضعیت موجود بهره برده‌اند. از جمله آیین‌هایی که ذاتی فرهنگ شیعه شده، برگزاری عزاداری‌ها، سوگواره‌ها و بزرگداشت یادواره‌های مذهبی است. یکی از این آیین‌های اصلی، عزاداری امام حسین علیه السلام به مناسبت حماسه عاشورا و اربعین ایشان است.

این آیین‌ها، علی‌رغم کسب قدرت سیاسی توسط شیعیان، نه تنها از رونق نیفتاده‌اند، بلکه با شور و اشتیاق بیش‌تری تداوم دارند. در واقع، آیینی هم‌چون عزاداری عاشورا و اربعین، نه تنها در دوران محنت و سختی برگزار می‌شده است، بلکه در دوران کسب قدرت توسط شیعیان، ابعاد مغفول یا ناشدنی آن نیز بازبینی و احیا گردیده است. پیاده‌روی اربعین یکی از ابعاد ناشدنی مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام است. حال سؤال این است که این اقدام مذهبی - فرهنگی، چه پیامدهای سیاسی می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ استخراج پیامدهای سیاسی برای یک پدیده فرهنگی - مذهبی، مستلزم مقدماتی است؛ از جمله: فراهم کردن امکان فهم سیاسی از یک پدیده یا رویداد مذهبی. در این تحقیق، برای تدارک مقدمه مذکور، ابتدا چارچوبی تلفیقی از هرمنوتیک فلسفی و نظریه بسیج منابع تدارک دیده‌ایم تا قالبی برای توصیف آیین پیاده‌روی اربعین فراهم گردد. بدین ترتیب که از طریق هرمنوتیک فلسفی، این آیین به عنوان بخشی از جهان هستی یک فرد شیعی به یک متن / پدیده با قابلیت تفسیر سیاسی تبدیل شود.

سپس در چارچوب نظریه بسیج و ضدبسیج منابع و امکانات، نگرشی اجتماعی - سیاسی بدان انداخته و پیامدهای سیاسی آن برای جهان اسلام تحلیل شده است. با این اوصاف، این فرضیه طرح گردیده که «پیاده‌روی اربعین به صورت توأمان دارای پیامدهای سیاسی ایجابی و سلبی است» که می‌توان با برجسته کردن وجوه عدالت‌طلبی، حق‌جویی و ظلم‌ستیزی آن، پیامدهای ایجابی‌اش را در جهان اسلام گسترش داد. نتیجه منطقی چنین برآیندی، افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است. برای تبیین این فرضیه، تلاش کرده‌ایم با روشی توصیفی - تحلیلی به تحقیق بپردازیم.

الف) پیشینه تحقیق

در ظاهر امر، به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت و جایگاه اربعین حسینی برای نظام سیاسی شیعی ایران، کتب و مقالات متعددی در این باره نوشته شود، اما هر چه بیشتر جست‌وجو کردیم، متنی علمی - سیاسی نیافتیم که در خصوص ادبیات نه‌تنها پیاده‌روی اربعین بلکه حماسه عاشورا نوشته شده باشد. اما به دلیل مذهبی - فرهنگی بودن موضوع، کتب و مقالات مذهبی، تاریخی و روایی زیادی به رشته تحریر درآمده است؛ به گونه‌ای که سازمان حج و زیارت، کتابی دو جلدی از مقالات علمی - پژوهشی و مطالب مندرج در مجلات و روزنامه‌ها را در سال ۱۳۹۴ گردآوری کرده و به چاپ رسانده است. مرکز معارف تشیع نیز در همان سال، کتاب اربعین حسینی را در مشهد به چاپ رساند که به خاطرات یک زائر از پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴ اختصاص دارد.

رسول جعفریان که کتاب اربعین را در ۲۳ صفحه در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسانده، به بررسی تاریخی بازگشت اسرای اهل بیت علیهم‌السلام به کربلا، در نخستین اربعین شهادت امام حسین علیه‌السلام و اهمیت اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته است. محمدامین پورامینی نیز در سال ۱۳۸۲ کتاب ۱۲۴ صفحه‌ای اربعین حسینی را در قم به چاپ رسانده و همانند بقیه کتب مربوطه، به واقعه بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام به کربلا در اربعین، اولین زائر اربعینی و ... پرداخته است.

محمد اشراقی نیز در کتاب *الاربعین/الحسینیه* که در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسانده، به مجموعه‌ای از چهل حدیث درباره امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا اشاره کرده است. وجود چنین ادبیاتی در خصوص یک موضوع مذهبی، طبیعی است اما به گفته آیت‌الله مصباح یزدی که در دومین همایش ملی ظرفیت فرهنگی و تمدنی کنگره عظیم اربعین حسینی در آبان ماه ۱۳۹۵ بیان داشته، ضرورت دارد نگاهی علمی به پیاده‌روی اربعین داشته باشیم. در این زمینه، نگاهی نه تنها علمی، بلکه سیاسی برای اربعین لازم است؛ چون بنیان جمهوری اسلامی بر پایه‌هایی استوار است که از دل حماسه عاشورا و آموزه‌های نهفته در دعای زیارت اربعین سر برآورده است. از این رو، در این مقاله نگاهی سیاسی به پیامدهای آیین پیاده‌روی اربعین انداخته‌ایم. در ادامه، برای طرح و تبیین موضوع، به چارچوب نظری تحقیق می‌پردازیم.

ب) چارچوب نظری

به اقتضای عنوان تحقیق و به منظور تبیین موضوع، ضرورت دارد از چارچوب نظری تلفیقی استفاده شود؛ یعنی به منظور تبیین امکان فهم آیین پیاده‌روی اربعین حسینی به عنوان یک متن باید به نظریه هرمنوتیک فلسفی تمسک جست و برای تبیین پیامدهای سیاسی آن آیین، به نظریه بسیج منابع و امکانات.

به منظور ایجاد ترابط و تعامل بین دو چارچوب نظری تحقیق نیز ضرورت دارد حلقه واسطی بین آن دو تدارک دید. از این رو، مکتب جماعت‌گرایی می‌تواند در این زمینه مفید واقع شود. جماعت‌گرایی یک فلسفه اجتماعی است که بر اهمیت اجتماع در مفصل‌بندی فضیلت تأکید دارد. جماعت‌گرایی خود به دو دسته آکادمیک و واکنشی تقسیم می‌گردد: نوع آکادمیک آن در دهه هشتاد میلادی توسط گروهی از نظریه‌پردازان سیاسی به منظور توجه و تأکید بر بعد اجتماعی افراد، یعنی فضیلت، شکل گرفت. اما نوع واکنشی آن که سیاسی و نوجماعت‌گرایی نیز خوانده می‌شود، در دهه نود میلادی، با تمرکز توأمان بر دو

وجه حق فردی و فضیلت اجتماعی شکل گرفت (Etzioni, 2015, P.2) که افرادی هم‌چون امیتای اتزیونی در دسته اخیر قرار دارد.

اساس تفکر جماعت‌گرایی، بر دو رویکرد ایجابی و سلبی درباره فضیلت اجتماعی مبتنی است. رویکرد ایجابی، نگرشی در باب علم اخلاق و فلسفه سیاسی است که بر اهمیت روان‌شناختی، اجتماعی و اخلاقی وابستگی به جوامع تأکید می‌کند و بر این باور است که داوری‌ها و استدلال‌های اخلاقی، باید از متن سنت‌ها و برداشت‌های فرهنگی نشأت گیرد. این وجه از رویکرد جماعت‌گرایی را به نظریه بسیج منابع اتزیونی می‌توان ربط داد که بر اساس آن، نیروهای اجتماعی، برای حفظ یا ارتقای سنت‌ها و برداشت‌های فرهنگی خود، به بسیج منابع و امکانات دست می‌زنند. هم‌چنین همین رویکرد، در راستای طرح چارچوب نظری هرمنوتیک فلسفی نیز قابل استفاده است که با رویکرد سلبی جماعت‌گرایی نیز تقویت می‌شود؛ زیرا جماعت‌گرایی طبق رویکرد سلبی، دنبال این است تا تحلیل در فلسفه سیاسی را به تفسیر جوامع و شبکه‌هایی پیوند دهد که ارزش‌ها و اصول معنایی خود را درون آن‌ها می‌یابد. در این نگرش، مفاهیم اجتماعی و سیاسی را نمی‌توان سراسر بی‌طرفانه، خالی از ارزش و تجربی دانست، بلکه معنای آن‌ها، به اجتماعات متفاوتی بستگی دارد که اهداف و غایات انسانی را شکل می‌دهند. (براتعلی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۰ و ۲۳) بدین ترتیب، هر دو مبحث نظری را می‌توان از طریق جماعت‌گرایی به هم مرتبط دانست.

۱. هرمنوتیک فلسفی

واژه هرمنوتیک که از لحاظ لغوی ریشه در اصطلاح‌های یونانی «hermeneuein»، به معنای تفسیر کردن، و «hermeneia»، به معنای تفسیر دارد، با «Hermes»، یکی از خدایان یونانی هم‌ریشه است که وظیفهٔ پیام‌رسانی را به عهده داشت. اما از لحاظ اصطلاحی، هرمنوتیک دانشی است که دربارهٔ چیستی، شرایط، روش، معیار و دیگر اوصاف مربوط به

فهم پدیدارهای فرهنگی بحث می‌کند. به بیان شلایرماخر، «هرمنوتیک هنر فهم است». (مختاری و سرلک، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱) فهم هرمنوتیکی، از لحاظ تاریخی، با تفسیر کتاب مقدس شروع شد؛ در روش‌شناسی فقه‌اللغوی و علم زبانی تداوم یافت و توسط شلایرماخر، به مبانی معرفت‌شناختی و هم‌چنین روش‌شناختی علوم انسانی تبدیل گردید؛ با هایدگر سمت‌وسوی پدیدارشناختی پیدا کرد و با گادامر رنگ فلسفی یافت و در نهایت هابرماس وجه انتقادی بدان داد.

برداشت فلسفی گادامر که ادامه فهم پدیدارشناختی هایدگر از هرمنوتیک است، به تبیینی متأملانه از رابطه سنت و فاعل شناسا توجه دارد. طبق این تبیین، بین متن و فاعل شناسا نوعی مفاعله صورت می‌گیرد و این مفاعله، همان مکالمه دیالکتیک و دیالوگ طرفینی است. در این دیالوگ، معنا آشکار و حقیقت هویدا می‌شود. (مختاری و سرلک، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵) در اصطلاح گادامر، دیالکتیک عبارت است از: «طریق پاسخ‌گویی پرسش‌گرانه به موضوع مورد مواجهه»؛ بدین معنا که متن یا موضوع مورد مواجهه دارای حیات است (پالمر، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳) و به منزلهٔ یک موجود زنده فعال در گفت‌وگو شرکت می‌کند؛ بنابراین، حقیقت تنها از طریق گفت‌وگو فراچنگ می‌آید؛ یعنی بخشی از واقعیت در طرف مقابل (موضوع مورد شناسایی) و بخش دیگر آن نزد فاعل شناسا (منفعل شناسا) است. البته در فهم گادامری، ابعاد و مضامینی هم‌چون تاریخ‌مندی، پیش‌داوری و ادغام افق‌های فاعل شناسا و متن الزامی‌اند.

نکته دارای اهمیت این است که هر یک از این ابعاد و مضامین هرمنوتیک گادامر می‌تواند کاربرد سیاسی پیدا کند. به عقیده وی، هر عمل فهمی، در عین حال که بر عنصر فهم مشتمل است، در همان حال، عنصر تفسیر موضوع و عنصر کاربرد و تطبیق آن را نیز شامل می‌شود. به بیانی آشکارتر، هر فهمی یک تفسیر است و هر فهمی، متضمن تطبیق و کاربرد. (Gadamer, 2006, p.274) اما برای فهم تأویلی پدیده‌های سیاسی - اجتماعی، پدیده‌های مزبور باید به شکل معناداری در قالب متن ظاهر شوند. اما متن چیست؟ منظور از متن در

این مقاله، عبارت از هر نوع گفتمانی است که در قالب یک پدیده / رویداد، به نحو متمایزی تثبیت شده باشد؛ متن یک کل به‌شمار می‌آید و کلیتی بر آن حاکم است. میان کلیت و اجزای متن ارتباط وجود دارد و کل بر مبنای اجزای آن و اجزاء بر مبنای کلیت معنا می‌شوند؛ بنابراین، هرمنوتیک تلاشی برای فهم کلیت متن است. در کل، امور سیاسی را می‌توان از دو نظر به عنوان یک متن، بررسی و تأویل کرد: نخست به صورت متن‌های مکتوب و دوم به صورت کنش‌ها و رویدادهای اجتماعی - سیاسی. پُل ریکور، امکان فهم متن / پدیده‌ها را به عنوان یک کنش سیاسی مطالعه کرد. به عقیده وی، برای استفاده از مفهوم متن در کنش معنادار، چهار ملاک وجود دارد:

۱. نحوه عمل شخص یا گروه باید تثبیت شده باشد، به طوری که بتوان به این رفتار به طور مشخص اشاره کرد و عینیتی برای آن قائل شد.

۲. همان‌طور که متن از نویسنده فاصله می‌گیرد و سپس به موضوع مطالعه تبدیل می‌شود، عمل سیاسی نیز باید از عاملان سیاسی فاصله بگیرد و پیامدهای سیاسی خاص خود را داشته باشد. در این حالت، «عمل» جدا از قصد و نیت فاعلان آن، به عنوان یک متن تأویل می‌شود.

۳. شرط سوم، اهمیت و «ارتباط داشتن» است. یک کنش معنادار هنگامی به صورت متن درمی‌آید که آن قدر اهمیت داشته باشد که تنها در ارتباط با شرایط بی‌واسطه و اولیه تکوین آن مطرح نشود، بلکه در چارچوب‌های اجتماعی نیز بگنجد. این شرط به ویژه درباره ارتباط عمل سیاسی و وضعیت اجتماعی اهمیت دارد.

۴. چهارمین شرط یادآور می‌شود که عمل سیاسی - اجتماعی، زمانی یک متن است که بتواند طیف گسترده‌ای از مخاطبان را شامل شود. در این وضع، معنا در حال تعلیق قرار می‌گیرد؛ زیرا کنش‌های انسانی همانند یک «اثر گشوده» است و با ارجاع‌های جدید، می‌توان معنای جدیدی را به آن نسبت داد. (Ricoeur, 1982, P.203)

بدین ترتیب، هنگامی که یک متن / پدیده به یک کنش سیاسی تبدیل گردید، آن را به عنوان یک جنبش و حرکت اجتماعی - سیاسی می‌توان مطالعه کرد.

۲. بسیج منابع

بسیج منابع، یک نظریه اجتماعی است که بر انواع منابعی تأکید می‌کند که برای رشد و بقای یک جنبش اجتماعی ضروری است. بدیهی است که جنبش اجتماعی، هنگامی روی دهد که طبق مباحث مطروحه در جماعت‌گرایی، سنت‌ها و ارزش‌های یک واحد اجتماعی به مخاطره افتاده باشد. در این صورت، منابع لازم برای بسیج قاعداً باید در همان سنت‌ها و ارزش‌ها ریشه داشته و در جهت حفظ و ارتقای آن‌ها صورت گیرد.

نظریه بسیج منابع که از دهه ۱۹۷۰ میلادی رواج یافت، ابتدا بر روان‌شناسی اجتماعی شرکت‌کنندگان و همراهان جنبش تمرکز داشت. اتزیونی به عنوان نظریه‌پرداز بسیج منابع، در راستای دیدگاه جماعت‌گرایانه خود، اعتقاد دارد: «بسیج فرایندی است که در آن یک واحد اجتماعی به سرعت منابعی را که قبلاً در کنترل نداشت، به صورت نسبی تحت کنترل درمی‌آورد. این منابع می‌توانند اقتصادی، نظامی، یا سیاسی و روان‌شناختی باشند» (Etzioni, 1968, P.243) اما یکی از منابع اصلی بسیج، نیروی انسانی و سامان‌دهی آن است. تأثیر بسیج، اغلب تا حدودی توسط میزان منابعی تعیین می‌گردد که برای بازی‌گر بسیج‌کننده در دسترس است؛ هم‌چنین از میزان ضدبسیج هم اثر می‌پذیرد؛ یعنی متناسب با قوت و ضعف نیروی بازی‌گر مقابل، احتمال پیروزی و شکست وجود دارد؛ زیرا الگوهای اجتماعی موجود، از طریق توزیع موازی قدرت، صاحبان منافع، عادات اجتماعی و بنیان‌های ایدئولوژیک پشتیبانی می‌شود. (Etzioni, 1968, P.246) با این حال، وقتی بسیج از حد سازمان‌گروهی فراتر رود و بخشی از جمعیت را به اعطای منابع خواسته‌شده برای دست‌یابی به هدف مطلوب برانگیزاند، جنبش پدید می‌آید. از این رو جنبش اجتماعی، عبارت از گروهی است که نسبت به عقاید و اهدافی وفادار باشد و برای تحقق آن‌ها عمل کند. (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۷۹) در چنین شرایطی است که بسیج سیاسی معنا می‌یابد.

در بسیج سیاسی هم‌چنان بعد روان‌شناختی اهمیت دارد. بسیج سیاسی، در واقع افزایش شدید عقاید، احساسات و اعمال در حمایت از منازعه درون‌گروهی است؛ بنابراین بسیج عقاید و احساسات، بخش مهمی از افزایش حمایت برای منازعه است. (Moskalenko and McCauley, 2009, P.241) در این وضعیت، فاعلان و کارگزاران یا همان بسیج نیروی انسانی، کارکرد بیش‌تری دارند. در وضعیت منازعه قدرت میان گروه‌ها، برای بسیج منابع از هر نوع در میان آن‌ها رقابت پیش می‌آید و پیروزی یک گروه در قبضه قدرت، به رقابت مؤثر با دیگر گروه‌های بسیج بستگی دارد. هر چه روابط درونی و فرهنگی مشترک در داخل گروه بسیج‌گر گسترده باشد، احتمال پیروزی آن بیش‌تر است. (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۸۰) این جاست که مفهوم هویت گروهی اهمیت می‌یابد. قوت هویت گروهی به شدت به موقعیت درونی گروه بستگی دارد. برای نمونه، وقتی گروه مورد تهدید واقع می‌شود، هویت گروهی افزایش می‌یابد. به‌طور متناقض‌نما، هویت گروهی هم‌چنین زمانی که به‌صورت خاص خوب کار کند می‌تواند افزایش یابد. وضعیت فردی نیز می‌تواند هویت گروهی را متأثر سازد. هم‌چنین هنگامی که عزت نفس فرد تهدید گردد یا از روی ترس به مرگ فکر کند، هویت گروهی قطعاً افزایش خواهد یافت. مطابق با دیدگاه صاحب‌نظران جنبش‌های اجتماعی، هویت گروهی وابسته به بسیج عملی افراد برای حمایت از گروه است؛ هویت فرد هر چه بیش‌تر با گروه پیوند داشته باشد، بیش‌تر آماده ایثار و جان‌فشانی برای گروه است. (Moskalenko and McCauley, 2009, P.243)

با این حال، بسیج می‌تواند تدافعی یا تهاجمی باشد. در واقع در مقابل هر بسیجی، یک ضدبسیج وجود دارد. بسیج تدافعی یا همان ضدبسیج، وقتی صورت می‌گیرد که گروهی زیر حمله حکومت یا گروه‌های دیگر دست به بسیج منابع بزند. بسیج تهاجمی، به‌ویژه نیازمند شناخت دقیق از محیط خارجی و رهبری فعال و کوشش سازمانی بیش‌تری است. (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۸۰) بسیج در هر دو وجه تدافعی و تهاجمی هزینه برمی‌دارد و به‌خصوص در بسیج تهاجمی گروه بسیج‌گر باید دارای امکانات اقتصادی بیش‌تری باشد.

ج) برداشتی هرمنوتیک از آیین پیاده‌روی اربعین

اربعین در فرهنگ شیعی، به چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام گفته می‌شود که مصادف با روز بیستم ماه صفر است. اربعین امام حسین علیه السلام، به مثابه یک متن و پدیده، در فرهنگ شیعی جایگاه والا و ارزشمندی دارد؛ چون یک بار دیگر، خاطرات و حوادث روز عاشورا در این روز زنده می‌شود. حماسه عاشورا آن چنان در فرهنگ و سنت شیعه تنیده شده است که نمی‌توان آثار آن را در ادوار مختلف تاریخ شیعیان نادیده گرفت. الگوگیری از شهامت و شهادت امام حسین علیه السلام در احیای اسلام واقعی، همواره در مواقع حساس رایج بوده است. اربعین حسینی با افت و خیزهای پر حادثه تاریخی هم‌چنان نه تنها به نقش‌آفرینی دینی - فرهنگی خود ادامه می‌دهد، بلکه فراتر از آن به پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی تبدیل شده است. امروز، پیاده‌روی اربعین تنها یک فرهنگ نیست، بلکه دارای بار و معنای سیاسی است که در این بخش، در چارچوب هرمنوتیک فلسفی در پی تبیین آن هستیم.

۱. اعتبار اربعین از دوران گذشته میان شیعیان شناخته شده است؛ یعنی این متن یا پدیده، تثبیت شده و عینیت یافته است. پیاده‌روی اربعین، با اقدام جابر بن عبدالله انصاری در سال ۶۱ هجری آغاز شد و کمابیش افراد و شخصیت‌های شیعی انجام دادند، اما بنیان‌گذار اصلی آن به عنوان یک آیین، شیخ مرتضی انصاری بود که در زمان حیات خود به صورت متوالی هر سال انجام می‌داد؛ اما پس از مدتی به فراموشی سپرده شد. ولی در نهایت شیخ میرزا حسینی نوری دوباره احیا کرد و در میان شیعیان نشر یافت. (ایمانی خوشخو و بُد، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹) تداوم تاریخی و فرهنگی پیاده‌روی اربعین، امروزه از چنان ثبات و عینیتی برخوردار است که علی‌رغم سرکوب‌های خشن و خونینی که در طول تاریخ به خود دیده، بر کارگزاران و فاعلان آن افزوده می‌شود.

برای مثال، در اواسط دوران خلافت عباسی، مرقد امام حسین علیه السلام در کربلا به آب بسته و شخم زده شد یا توسط وهابیان در دوره‌های مختلف تخریب و به غارت رفت. در

دوران معاصر نیز با تسلط بعثی‌ها در زمان احمدحسن البکری، از همان ابتدا، رفتار سرکوب‌گرانه و خشونت‌آمیز علیه شیعیان شدت یافت و به عزاداری و پیاده‌روی اربعین حمله می‌شد. در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ قمری، پیاده‌روی‌های اربعین به خاک و خون کشیده شدند. (زارع خورمیزی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۶) صدام نیز در دوران حاکمیت بیش از سی ساله خود، مانع از پیاده‌روی اربعین می‌شد؛ اما بعد از سقوط وی، آیین پیاده‌روی اربعین برپا و بر تعداد زائران آن افزوده شد.

۲. پیاده‌روی اربعین، پدیده‌ای است که جدا از قصد و نیت فاعلان آن، به یک متن «سیاسی» تبدیل شده است؛ متنی که قابلیت تفاسیر متعدد دارد. همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران، این آیین را نمادی از قدرت و هویت شیعی می‌داند و رسانه‌های غربی و مخالفان شیعه آن را اقدامی صرفاً مذهبی و به دور از مایه‌های اجتماعی و سیاسی تفسیر می‌کنند، گروه‌های تکفیری آن را نماد اتحاد شیعه دانسته، سعی در ضربه زدن به آن دارند. برای مثال ابوبکر البغدادی، خلیفه خودخوانده داعش، در سال ۱۳۹۲ همه زائران اربعین را تهدید به قتل کرد. وی در یک فایل صوتی گفته بود: «زیارت حسین در اربعین، به نماد اتحاد شیعیان معروف شده است و ما باید به این اتحاد و هم‌دلی ضربه‌ای اساسی وارد کنیم». (شیعه‌نیوز: ۱۰۱۳۹۲/۲۵)

۳. این نشان می‌دهد که پیاده‌روی اربعین از متن سوگواری صرف، به پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی تبدیل شده است؛ هم سنت پیاده‌روی اربعین از موضوع اولیه خود، یعنی سوگواری، فاصله گرفته و هم فاعل شناسای امروزی دیگر صرفاً نگاهی سوگوارانه بدان ندارد، بلکه برداشتی سیاسی از آن در نظر دارد. زائر پیاده اربعین در چارچوب تاریخ‌مندی، افق فکری خود را با سنت و ارزش‌های مکنون در این آیین درآمیخته و متناسب با اوضاع زمان، تفسیری سیاسی از آن عرضه می‌کند. از این رو، ۷۵٪ زائران اربعین ۲۰۱۵ (یا همان فاعل شناسای امروز)، از اقدامات حمایتی برای حوثی‌های یمن، حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق دفاع کردند. (Christia, 2016, P.131)

۴. شرط چهارم متن‌گونگی این آیین، از این باب نیز قابل تأیید است که سال‌به‌سال بر فاعلان و عاملان آن افزوده می‌شود. اگر در گذشته علمای نجف به‌تنهایی و بعداً با همراهی برخی از شیعیان اقدام به پیاده‌روی اربعین می‌کردند، امروزه و به‌خصوص بعد از سقوط نظام بعثی صدام، بر تعداد زائران اربعینی افزوده شده است. بنابر گزارش‌های موجود، تعداد زائران اربعین در سال‌های ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ حدود چهارده میلیون نفر، در سال‌های ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ حدود بیست میلیون نفر، و در سال‌های ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ حدود ۲۶ میلیون برآورد شده است. (شمال‌نسب، ۱۳۹۴، ص ۲۲۳) علاوه بر آن، گشودگی برای فهم این پدیده اجتماعی، منحصر در شیعیان نمانده و از سایر ادیان و مذاهب نیز در آن مشارکت دارند و هر یک از افق دید خود بدان می‌نگرند. برای مثال، امروزه طرف‌داران مذاهبی هم‌چون: صابئین، ایزدیان، سنی‌ها و مسیحیان در این آیین حضور دارند. (زارع خورمیزی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۸) ملاحظه تفاوت‌ها و تنوع قومی، مذهبی و نژادی و شکاف‌های فرهنگی، طبقاتی و تمدنی، گویای این است که این آیین به عنوان یک متن، قابلیت تفسیر سیاسی را دارد.

گفتنی است که آیین پیاده‌روی، دارای یک سیر تاریخی طولانی است که نه تنها به سنت شیعی‌گری تبدیل شده، بلکه از متن اولیه خود به عنوان یک مراسم عزاداری فاصله گرفته و به یک پدیده سیاسی تبدیل شده است. هم‌چنین به عنوان کلیتی تصور می‌شود که اجزای درونی آن، یعنی صرف پیاده‌روی، زمزمه دعای زیارت آن، سوگواری و گریه، نگرش هم‌دلانه شیعیان یا خصمانه مخالفان آن، انسجام و اتحاد درونی و نذورات و خدمات صورت‌گرفته با هم در ارتباطند. بدین ترتیب، این آیین یک متن / پدیده اجتماعی - سیاسی است. طبیعی است که مطابق با دیدگاه گادامر، به دلیل تاریخ‌مندی و اثرپذیری مان از سنت، ما نیز نگاهی هم‌دلانه به آیین پیاده‌روی اربعین داشته باشیم و همان‌گونه که به اعتقاد گادامر اساساً فهم بدون پیش‌داوری معنا ندارد؛ «هیچ فهمی خالی از پیش‌داوری نیست. پیش‌داوری‌ها، واقعیت تاریخی وجود ماست» (Gadamer, 2006, P.246) و به واسطه آن‌هاست که می‌توانیم فهمی از تاریخ و پدیده‌ها به دست آوریم، ما نیز بر این باور باشیم که آیین پیاده‌روی اربعین در اوضاع فعلی، نمودی سیاسی دارد.

بنابراین، نگرش هرمنوتیک به پدیده فرهنگی - مذهبی پیاده‌روی اربعین، به ما این امکان را می‌دهد تا بتوانیم آن را به عنوان متنی اجتماعی - سیاسی مطالعه کنیم. حال که امکان تفسیری سیاسی از متن / پدیده پیاده‌روی اربعین داریم، در ادامه می‌توانیم آن را در چارچوب نظریه بسیج منابع نیز تبیین نماییم.

د) بسیج منابع و پیاده‌روی اربعین

همان‌گونه که اشاره شد، نظریه بسیج منابع درباره جنبش‌های اجتماعی کاربرد دارد، اما فروکاستن پیاده‌روی اربعین به یک جنبش اجتماعی، دور از منطق و انصاف است. جنبش‌های اجتماعی دارای شمول، مضامین، اهداف و کارکرد بس محدودتر از آیین پیاده‌روی اربعین است که خود مفاهیم، مضامین، گستره، اهداف و کارکردی بسی فراتر و والاتر دارد؛ اما با بسط برخی از مفاهیم نظریه بسیج، می‌توان مضامین غیرمادی پیاده‌روی اربعین را قابل فهم و در نتیجه، اهداف و کارکرد آن را تبیین نمود. بی‌شک، مفاهیمی هم چون: قدرت، هویت و منبعی هم چون اقتصاد، در فهم متن / پدیده پیاده‌روی اربعین بسی فراخ‌تر از مفاهیم موجود در نظریه بسیج جنبش‌های اجتماعی موجود است. با این حال، گزیری از این چارچوب نظری نداریم تا بتوانیم پیامدهای این آیین را در ادامه تشریح کنیم. بنابراین، بسیج منابع را در شکل درون‌دینی و تلاش بخشی از اهل سنت (سلفی‌های وهابی) و تشیع پی می‌گیریم.

بسیج منابع متقابل بین شیعه و سلفی‌های وهابی، به تدریج از زمانی شروع شد که اهل سنت با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ، خود را گروه ناجیه پنداشتند. بنابر روایات متعدد کتب مختلف ملل و نحل اسلامی، پیامبر اسلام ﷺ فرموده‌اند: «یهودیان بنی‌اسرائیل به ۷۱ فرقه تقسیم شدند که همه به جز یکی دوزخی‌اند؛ مسیحیان به ۷۲ فرقه که همه به جز یکی دوزخی‌اند؛ و این امت [مسلمانان] نیز ۷۳ فرقه خواهند شد که همه به جز یکی دوزخی‌اند». وقتی از آن حضرت پرسیده شد که آن تک‌گروه ناجی و غیردوزخی چه فرقه‌ای است، آن

را «اهل سنت و جماعت» نامیدند و فرمودند: «آنان که به راهی می‌روند که امروز من بر آنم و بعد از من بر آن باشند». (شهرستانی، ۱۳۶۲، ص ۷) حامیان این فرقه در جریان سقیفه، بدون در نظر گرفتن دیگر قراین قرآن و احادیث، ابوبکر را به خلافت رساندند و مخالفان وی را به حاشیه راندند.

در حالی که شیعیان با استناد به امر امامت و ولایت، رهبری مسلمانان را منصوب از طرف خداوند و محصور در اولاد حضرت علی علیه السلام می‌دانند. در نهایت تقابل این دو دیدگاه، در واقعه عاشورا به اوج خود رسید و شیعیان همواره برای حفظ اصالت و وجاهت اقدام اصلاح‌گرانه، حق جویانه و شهادت‌طلبانه امام حسین علیه السلام، به بسیج تمامی منابع خود دست زده‌اند. شیعیان در طول تاریخ، به دلیل در اقلیت و خارج از حکومت بودن، همواره نقش منتقد و اپوزیسیون نظام‌های سیاسی اسلامی موجود را بازی می‌کرده‌اند، لذا همیشه سعی داشته‌اند از بسیج منابع به بهترین نحو استفاده کنند. یکی از ظرفیت‌های موجود برای بسیج منابع، در همه ابعاد آن، مراسم سوگواری و شعائر دینی از جمله سوگواری‌های عاشورا و اربعین بوده است. این مراسم سوگوارانه، همان‌گونه که امام خمینی به‌درستی بیان می‌دارد، گریه و سوگواری صرف نیست: «انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید فقط این است که ما گریه کنیم ... جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه دیگر [است] ... مسأله، مسأله گریه نیست؛ مسأله، مسأله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یک پارچه کنند از راه‌های مختلف. این‌ها را یک پارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند». (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۳) سیاسی شدن این مراسم‌ها، مستلزم بسیج منابع برای تحقق اهداف آن نیز هست که از جهات انسانی، سیاسی، مالی و حتی نظامی قابل بررسی است.

بسیج نیروی انسانی در پیاده‌روی اربعین، اساساً قوی‌تر از بقیه منابع بوده و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. بی‌شک، جنبش‌هایی که دارای منشأ دینی و فرهنگی‌اند، به دلیل بن‌مایه عاطفی، احساسی و هویت‌ساز بودن، قادرند باورمندان و دربرگیرندگان آن فرهنگ

را به سرعت بسیج نمایند. به خصوص آن‌که باورمندان آن فرهنگ، احساس کنند که در طول تاریخ تحت ستم بوده‌اند، در حالی که صاحبان قدرت، حقانیت آن‌ها را نادیده گرفته‌اند. شرایط در مورد جنبش و حماسه عاشورا و اربعین آن نیز بدین گونه بوده است. علامه مجلسی بیان داشته که حرکت امام حسین علیه السلام نیز برای اقامه حق و عدل بود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّه جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمِرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ». (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۹) عموم شیعیان، اربعین را تداوم عاشورا و در واقع عدالت‌طلبی و حق‌جویی امام حسین علیه السلام می‌دانند؛ بنابراین، ظرفیت لازم فرهنگی و اسلامی را برای بسیج شدن دارا هستند. این ظرفیت زمانی دوچندان شد که امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین را در ردیف واجباتی چون نماز قرار دادند. ایشان نشانه‌های مؤمن و شیعه را در پنج چیز می‌دانند: اقامه نماز ۵۱ رکعت در شبانه‌روز؛ زیارت اربعین؛ انگشتر در دست راست کردن؛ سجده بر خاک کردن؛ و بلندگفتن «بسم الله الرحمن الرحيم». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۲) تلفیق چنین ظرفیت‌های دینی با نارضایتی‌های ناشی از استبداد حکومت‌های نامشروع توسط حاکمان در طول تاریخ، شیعیان را دارای یک هویت گروهی منحصر به فردی کرده است که هر آن امکان بسیج شدن را دارند.

در همین راستا، زیارت‌نامه عاشورا و دعای اربعین، این امکان را تهییج و تشدید می‌کند. ویژگی اصلی زیارت اربعین که گویای ویژگی‌های شخصیتی امام حسین علیه السلام و الهام‌بخش پیاده‌روی‌کنندگان اربعین است، ایثار جان خود برای «نجات بندگان از جهالت، حیرت و گمراهی» است. روش و رویکرد ایثار در مکتب عاشورا و اربعین، «شهادت» است؛ شهادت، حقیقتی است که در دل خود، «ستم‌ستیزی»، «کمال‌طلبی»، «اعتراض به تجاوز و زیاده‌خواهی» و «تسلیم نشدن در برابر زور» را نهفته دارد. (پاک‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۷۰) این آموزه‌ها، فاعلان پیاده‌روی اربعین را مهبای ایثار هستی خود می‌کند. از این روی، هر ساله علی‌رغم تهدیدات گروه‌های تکفیری برای کشتار زائران اربعین و بمب‌گذاری‌ها و حملات انتحاری آنان، بر تعداد زائران افزوده می‌شود. این نشان می‌دهد، به هر میزان که هویت

گروهی فاعلان و زائران اربعین توسط مخالفانشان بیش‌تر تهدید گردد، بر میزان بسیج آن‌ها افزوده می‌شود.

افزایش زائران اربعین به اندازه‌ای چشم‌گیر شده که امروزه به بزرگ‌ترین همایش انسانی جهان تبدیل گردیده است و از نظر جمعیت، از کنگره عظیم حج پیشی گرفته که با حضور حدود چهار میلیون مسلمان برگزار می‌شود. چند سالی است که جمعیتی حدود چهار برابر حج تمتع، در زیارت اربعین گرد هم می‌آیند. نکته جالب توجه این است که اگر حاجیان، هر سال حداکثر بیست کیلومتر پیاده‌روی می‌کنند، شیعیان عراق و دیگر کشورها، از شهرها و مناطق مختلف مرزی، گاهی تا حدود چهارصد کیلومتر را پیاده طی می‌کنند تا به نجف اشرف برسند؛ هم چنین میلیون‌ها زائر دیگر هم از سراسر جهان، با هواپیما خودشان را به نجف می‌رسانند و از آن‌جا تا کربلا را که حدود هشتاد کیلومتر است، پیاده‌روی کنند. (زارع خورمیزی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۹) البته چنین قیاسی بین حج و اربعین شاید فی‌نفسه کار بسزایی به نظر نرسد؛ زیرا حج ابراهیمی از لحاظ شأن و شمولیت فراتر از اربعین است؛ اما زمانی که نیروها و حاکمان بسیج‌گر حج کسانی هستند که در طول تاریخ بر شیعیان و مراسم مذهبی‌شان سخت گرفته‌اند، قیاس از منظر بسیج منابع اهمیت خود را نشان می‌دهد؛ به خصوص که اگر نظم و نظام، امنیت، امکانات رفاهی و بهداشتی آن دو با هم مقایسه گردد.

مهم‌تر از همه، بسیج مالی که در این دو کنگره صورت می‌گیرد کاملاً از هم متمایزند. در مراسم حج، نه تنها تمام امکانات مالی عربستان سعودی در خدمت تأمین رفاه و عرضه خدمات بهتر به حاجیان به کار گرفته می‌شود، بلکه مبالغ کلانی نیز از خود زائران خانه خدا دریافت می‌گردد تا صرف خدمات رفاهی آن‌ها شود؛ در حالی که در پیاده‌روی اربعین، نه تنها وجهی از زائران دریافت نمی‌گردد، بلکه دولت عراق نقش مستقیمی در اجرای مراسم پیاده‌روی اربعین ندارد. بسیج منابع مالی در اربعین، همانند بسیج نیروی انسانی، در مفهوم اینار متجلی می‌شود؛ بدین‌گونه که همه شیعیان، از فقیر گرفته تا غنی، از تمام دارایی خود

می‌گذرند. همه خدمات، مردمی است و به وسیله هیأت‌های مذهبی و عتبات مقدسه عراق صورت می‌گیرد. (مرکز معارف تشیع، ۱۳۹۴، ص ۱۲) تصور این‌که این هیأت‌ها بتوانند بدون هم‌گامی و همراهی تک‌تک ساکنان در مسیر پیاده‌روی این خدمات را انجام بدهند، سخت است. تهیه و تدارک سه وعده صبحانه، ناهار و شام، آن هم برای حدود چهار تا هفت روز، برای جمعیتی حدود ۲۶ میلیون نفر، امری نیست که توسط یک مرکز، ممکن یا حتی قابل مدیریت باشد. به همین دلیل است که در مسیر پیاده‌روی، مشاهده می‌شود هر فردی با کوچک‌ترین پذیرایی به زائران خدمت‌رسانی می‌کند: پیرزنی با استکان چای پذیرایی می‌کند؛ دیگری، آن مقدار خرمایی را که دارد پخش می‌کند و حتی کودکان و آنانی که مالک هیچ چیزی نیستند، با دستمال کاغذی و با واکس زدن کفش زائران و یا در اختیار گذاردن موبایل خویش برای تماس، پذیرای زائران کربلا هستند. (مرکز معارف شیعه، ۱۳۹۴، ص ۷) کسانی هم که دارای مال و مکنت بیش‌تری‌اند، با پخت‌وپز انواع طعام و حتی مهبای استراحت‌گاه برای زائران، دنبال آسایش و رفاه آن‌ها هستند. خیلی از افراد نیز در طول سال، کار و کوشش می‌کنند تا در موسم اربعین حداقل‌ها را برای پذیرایی از زائران اربعین پس‌انداز کرده باشند.

از لحاظ نظامی و امنیتی، بسیج در پیاده‌روی اربعین به صورت غیرعلنی و لجستیکی توسط نیروهای نظامی و امنیتی ایران از یک طرف و نیروهای امنیتی و انتظامی عراق از سوی دیگر صورت می‌گیرد. حتی تعدادی از اهالی محلی سنی‌مذهب برای تأمین امنیت آیین پیاده‌روی اربعین هم‌کاری و از جان‌گذشگی به خرج می‌دهند؛ زیرا اهل‌سنت نیز در قالب نیروهای بیداری (نیروهایی از طوایف اهل‌سنت که با نیروهای امنیتی عراق برای هم‌کاری علیه القاعده و داعش توافق دارند)، امنیت زائران اربعین را در مناطق تحت مأموریتشان تأمین می‌کنند. (زارع خورمیزی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۰) طبیعی است که با توجه به تهدید گروه‌های تکفیری، لابد بسیج نیروهای امنیتی و انتظامی به‌درستی صورت گرفته تا امنیت این آیین در چنین وضعیت بی‌ثبات و تهدیدات زیاد به‌طور نسبتاً مطلوب تأمین گردد. از

لحاظ سیاسی نیز همان‌گونه که ائمه علیهم‌السلام از پیاده‌روی اربعین حمایت کرده‌اند، علمای شیعه و مسئولان جمهوری اسلامی ایران و عراق نیز بر انجام دادن آن همت گمارده‌اند، به‌گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای از منظری دینی، پیاده‌روی اربعین را «مغناطیسی معنوی» و ترکیبی از عشق و ایمان دانسته و در درس خارج فقه در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۹ بیان می‌دارد:

پدیده بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای هم در این سال‌های اخیر به وجود آمده و آن پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف به کربلاست؛ ... این حرکت عشق و ایمان است؛ ... جا دارد امثال بنده که محرومیم از این جور حرکت‌ها، عرض بکنم که «يَا أَيُّهَا كُنَّا مَعَكُمْ فَنَفُوز فَوْزاً عَظِيماً». (باشگاه خبرنگاران جوان)

در واقع، حمایت علنی و غیرعلنی از برگزاری پیاده‌روی اربعین از طرف دولت‌های ایران و عراق، نشان‌دهنده بسیج هر چه تمام‌تر منابع در جهت اثرگذاری آن بر جهان اسلام و سایر جوامع جهانی است.

ه) پیامدهای سیاسی پیاده‌روی اربعین

نظریه بسیج منابع که در جنبش‌های اجتماعی کاربرد دارد، پیامدها و تبعاتی را برای بسیج‌گران در پی خواهد داشت. بسیج بنابه ذات نارضایتی مکنون در خود و تغییرخواهی، چه در شکل تدافعی و چه در شکل تهاجمی‌اش، متناسب با این‌که به اهداف خود دست می‌یابد یا شکست می‌خورد، می‌تواند آثار و پیامدهای ایجابی یا سلبی داشته باشد. بسیج امکانات در پیاده‌روی اربعین نیز از این منظر قابل مطالعه است. در واقع پیامدهای سیاسی پیاده‌روی اربعین را می‌توان هم از منظر ایجابی و مثبت مطالعه کرد و هم از منظر سلبی و منفی. در ادامه بحث، ابتدا در قالب بسیج تهاجمی، وجه ایجابی بسیج امکانات و منابع را مطالعه می‌کنیم و سپس در قالب بسیج تدافعی که از طرف مخالفان پیاده‌روی اربعین صورت می‌گیرد، به وجه سلبی می‌پردازیم.

۱. پیامدهای ایجابی

شیعیان هر چند از لحاظ تاریخی در اقلیت و در نتیجه، در حاشیه و به دور از سیاست و قدرت اصلی بوده‌اند، روحیه انتقاد و ستیزه‌گری در مقابل خلفا و علمای سنت و جماعت را به انواع مختلف در تمامی فرقه‌ها و گرایش‌های خود داشته و علیه آنان بسیج شده‌اند. اعتقاد به اصولی هم‌چون امامت و عدل، در کنار سه اصل مشترک با اهل سنت (توحید، نبوت و معاد)، به شیعیان دوازده‌امامی این امکان را داده است که نسبت به حاکمیت اهل سنت در طول تاریخ، به دیده اعتراض و انتقاد بنگرند و در پی احقاق حق خود و رسیدن به حکومت آرمانی مهدوی باشند. حرکت حماسی امام حسین علیه السلام در عاشورا نیز از این منظر مورد توجه قرار گرفته و بنابراین آئین پیاده‌روی اربعین، حلقه اتصال دو نقطه مهم تاریخی یعنی غدیر و عاشورا و یک نقطه مهم آرمانی یعنی ظهور تلقی می‌گردد. در نتیجه، اربعین یک الگوی تولید قدرت و تمدن با محوریت امامت، ولایت، تولی و تبری ایجاد کرده است. (پیروزمند، ۱۳۹۵، ص ۲۱) پس اولین و اصلی‌ترین کارکرد و وجه ایجابی آئین پیاده‌روی اربعین، شکل‌گیری منبعی قوی برای تولید قدرت و فرهنگ برای دنیای اسلام و تمدن جدید اسلامی است.

پیامد بعدی، در کارکرد وحدت‌بخشی آن نهفته است. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان گردید، پیاده‌روی اربعین به یک تجمع فرامذهبی و فرااسلامی تبدیل شده است. هر سال بر تعداد افرادی که از سایر مذاهب اسلامی در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند، افزوده می‌شود و جالب این‌جاست، در حالی که متأسفانه اختلافات مذهبی در سطح جهان در حال گسترش است، در اربعین حسینی شاهد فرایند معقولی در میان اجتماع مذاهب مختلف اسلامی هستیم. شرکت افراد و هیأت‌های دیگر ادیان آسمانی نیز پدیده جالب توجهی است. حضور هیأت‌های مسیحی و حتی نمایندگان پاپ و هیأت‌هایی از صابئین و ایزدی‌ها در این مراسم، تعجب‌برانگیزتر است. (شمال‌نسب، ۱۳۹۴، ص ۲۲۷) چنین حضورهایی قاعدتاً نباید بی‌دلیل باشند. به نظر می‌رسد از آن‌جایی که نقش دولت‌ها در این تجمع کم‌تر است و حاضران بنا بر

خواست و اراده خود در آن حضور می‌یابند، لذا اربعین نشان‌دهنده وحدتی از مذاهب و ادیان است که همگی به آرمان‌های حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی علاقه‌مند و وفادارند. در واقع اربعین، مظهر وحدتی بر اساس فطرت‌های پاک انسان‌هاست. ظهور این چنین وحدتی در اربعین، حقانیت، مشروعیت و مظلومیت شیعیان را نشان می‌دهد.

طبق دیدگاه نظریه‌پردازان بسیج منابع، زمانی که اضطراب و ناآرامی جامعه را فراگیرد، رقابت گروه‌ها برای رسیدن به اهداف از طریق بسیج بیش‌تر می‌شود؛ از این رو، استدلال می‌شود که اگر منافع گروه‌ها تهدید گردد، بسیج امکانات صورت می‌گیرد؛ ناآرامی‌ها، کاتالیزوری برای رقابت گروه‌هاست. (Damor and Nicholson, 2013, P.3) بنابراین، در وضعیتی که جهان اسلام دچار اضطراب و ناآرامی گشته و هر گروهی از طرق مختلف، دنبال کسب قدرت و منافع خود است، پیاده‌روی اربعین، مصداق بسیج امکانات برای مشروعیت و ترویج نظام جمهوری اسلامی به عنوان مدلی مردمی از حاکمیت اسلامی است؛ زیرا جمهوری اسلامی به عنوان مدلی از نظام سیاسی است که دنبال تشکیل حکومتی بر اساس آرمان‌های دینی شیعی است. حمایت بیش از ۷۰٪ از زائران حاضر در اربعین ۱۳۹۵ از حاکمان جمهوری اسلامی مؤید این مدعاست. (Christia and et al, 2016, P.125)

اصولی هم‌چون: حق‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌طلبی، صلح‌جویی و ظلم‌ستیزی که از ادعیه زیارت اربعین و از ویژگی‌های شخصیتی امام حسین علیه السلام نشأت گرفته، در پیاده‌روی اربعین به نمایش گذاشته شده و بقیه ادیان و مذاهب نیز کمابیش آن را پذیرفته‌اند؛ زیرا در این آیین آزادانه و فعالانه شرکت دارند. تأثیر مثبت آیین پیاده‌روی اربعین را حتی در داخل ایران نیز می‌توان مشاهده کرد. بر اساس تحقیقی که درباره تأثیر پیاده‌روی اربعین بر شور و اشتیاق مردم ایران صورت گرفته، مشخص شده که این آیین، بر نگرش اخلاقی به زندگی مادی، تعمیق مطالعه و آموزش مذهبی، کوشش برای «جهاد فی سبیل‌الله»، و روحیه استکبارستیزی و حق‌طلبی موثر بوده است. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۱۰) در واقع، استقرار و استمرار آموزه‌های دعای اربعین، هدف اصلی تشکیل نظام جمهوری اسلامی است که پیاده‌روی اربعین در تثبیت آن‌ها تأثیر بسزایی دارد.

به غیر از کسب و حفظ مشروعیت شیعی‌گری نظام جمهوری اسلامی، نشان دادن اقتدار آن، کارکرد دیگر آئین پیاده‌روی اربعین است. در اوضاعی که منطقه درگیر انواع بی‌ثباتی‌ها و ناآرامی‌هاست، برقراری امنیت نسبتاً بالای اجرای این آیین، عرضه خدمات رفاهی و بهداشتی برای زائران، و توان‌مندی در جلب و جذب پیروان سایر ادیان و مذاهب برای پیوستن بدان، گویای این است که شیعیان به‌طور عام و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تنها نظام شیعه‌محور جهان، توانسته است شیوه‌ای فرهنگی و آیینی را ابزاری برای نشان دادن مشروعیت و اقتدار خود مستمسک قرار دهد. این شیوه، به‌انحای مختلف، در کشورهای گوناگون در حال نضج‌گیری و گسترش است. در این شیوه، از خودگذشتگی، در تمامی ابعاد مالی و جانی آن، به‌صورت مسالمت‌آمیز بر افکار و دیدگاه پیروان سایر ادیان اثر می‌گذارد.

۲. پیامدهای سلبی

پیامدهای سلبی پیاده‌روی اربعین، درست در نقطه مقابل پیامدهای ایجابی آن قرار دارد: افتراق در برابر اتحاد؛ بدین معنا که مخالفان شیعه، این آیین را عاملی برای شکل‌گیری انحراف در اسلام دانسته، باعث افتراق در آن تلقی می‌کنند. بنابراین، اصلی‌ترین پیامد سلبی آئین پیاده‌روی اربعین را می‌توان در افزایش حس شیعه‌هراسی در منطقه و جهان دانست. بسیج صورت‌گرفته در اربعین، الگوهای اجتماعی موجود در جهان اسلام را متأثر می‌کند، عادات اجتماعی را تغییر می‌دهد، منافع صاحبان تاریخی قدرت را تهدید و از بنیان ایدئولوژیک ویژه‌ای پشتیبانی می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، پیاده‌روی اربعین با پیوند زدن عصاره مکتب تشیع، یعنی غدیر (ولایت)، عاشورا (شهادت) و ظهور (امامت)، یادآور تقابل ایدئولوژیک شیعه با اهل سنت است. تقابل ایدئولوژیکی و بسیج / ضدبسیج‌گرایی شیعه و اهل سنت، از زمان سقیفه بنی‌ساعده وجود داشته و شخصیت‌های ستیزه‌گرایانه‌ای چون: ابن تیمیّه و محمدبن عبدالوهاب، نقش اساسی در ایجاد بسیج تدافعی بخشی از اهل سنت علیه شیعیان داشته‌اند. امروزه نیز با پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور عام و فراگیر شدن آیین

پیاده‌روی اربعین به‌طور خاص، گروه‌های سلفی - تکفیری به فکر بسیج منابع و امکانات برای مقابله با شیعه‌گری افتاده‌اند. بنابراین، آیین پیاده‌روی اربعین، از یک طرف نماد وحدت جهان اسلام است و از طرف دیگر، گروه‌های افراطی و تکفیری بر اساس برداشت‌های غلط خود از اسلام، آن را مقدمه‌ای برای تحریف و نابودی اسلام می‌دانند؛ آن‌ها مخالف شفاعت طلبیدن و زیارت قبور بزرگان و اولیا هستند (رضوانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱) و آن را بدعت در دین می‌شمردند. بدین ترتیب، طبیعی است که ضدبسیج / بسیج تدافعی از طرف آن‌ها صورت بگیرد. به همین دلیل، وهابی‌ها و سلفی‌های تکفیری، حتی هر اهل سنتی - چه عالم و چه عامی - را که در پیاده‌روی اربعین شرکت کند، خارج از دایره اسلام می‌دانند. (سایت قرارگاه: ۱۳۹۵/۹/۱۸)

از دیگر پیامدهای سلبی پیاده‌روی اربعین، فاصله انداختن و موضع‌گیری سران کشورهای اسلامی به بهانه‌های شیعه‌هراسی است. طرح موضوعاتی چون هلال شیعی در همین راستا قرار دارد. همین امر، پیامدهای دیگری را نیز به دنبال دارد: نزدیکی سران کشورهای عربی به امریکا و حتی اسرائیل، بی‌توجهی به مسائل و مصائب فلسطینیان، لشکرکشی به یمن، بسیج منابع و امکانات برای تشکیل و تقویت گروه‌های تکفیری برای مقابله با ایران، تلاش برای کشاندن جنگ به داخل ایران، و حمایت از گروه‌های مخالف و معاند نظام مثل گروه منافقین. به همین جهت است که سلفی‌های وهابی، در تلاش هستند دشمنی با شیعیان (ایران) را به جای دشمنی با اسرائیل و امریکا بنشانند. از این رو، اگر گروه سلفی القاعده هدف خود را مبارزه با دشمن بعید (کافران) تعریف کرده بودند، گروه‌های سلفی - تکفیری مثل داعش، هدف خود را مبارزه با دشمن قریب (شیعیان) اعلام کرده‌اند. داعش نیز بر همین اساس، شیعیان را اولین عامل انحراف تلقی می‌کنند و با صفوی خواندن آن‌ها، از منظر روانی ذهنیت تقابل تاریخی شیعه و سنی را زنده می‌سازند و از منظر اجتماعی - سیاسی، با مشروعیت‌بخشی به خود، حامیان مالی، سیاسی و جهادگر جذب می‌کنند. (میرزازاده، ۱۳۹۴، ص ۴۵) بیش‌ترین حمایت مالی و سیاسی از این گروه‌ها را کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به‌خصوص عربستان صورت می‌دهند. افزایش

حملات به زائران عتبات، تلاش برای تخریب اماکن مقدس شیعیان، تلاش برای سقوط دولت شیعی در عراق، و بستن آب فرات به روی استان‌های شیعه‌نشین، از جمله اقداماتی است که داعش در راستای بسیج منابع خود علیه شیعیان انجام داده است.

تلاش بسیج‌گرانه مالی، انسانی و سیاسی عربستان، تنها به حمایت از داعش محدود نمانده است. استخدام تروریست‌ها برای اقداماتی تخریبی و تروریستی، مثل حمله به حرم امام خمینی و مجلس شورای اسلامی، و حمایت از گروه‌های ضدشیعی در مناطق شرقی ایران، از دیگر اقدامات عربستان است. گروه‌های وابسته به طالبان در مناطق شمالی پاکستان و نزدیک مرزهای افغانستان، فشارهای زیادی را به شیعیان این مناطق وارد می‌سازد که کشتار شیعیان در منطقه پاراچنار، نمونه بارز آن است. این مسئولیت در مناطق غربی پاکستان، به گروه‌های سلفی یعنی «جیش‌العدل» واگذار شد تا با اقدامات خود و عدم تسلط دولت پاکستان بر مرزهایش، فشارهایی را به جمهوری اسلامی وارد کنند؛ به شهادت رساندن و گروگان‌گیری مرزبانان و نیروهای امنیتی ایران، از جمله این اقدامات است. (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴، ص ۲۵) هم‌چنین به یاد داریم، زمانی که شیعیان نیجریه در سال ۱۳۹۴ راه‌پیمایی گسترده‌ای را در اربعین حسینی به راه انداختند، عربستان احساس خطر کرده، از مسئولان نیجریه خواست تا آن را سرکوب کند. نتیجه این درخواست، به خاک و خون کشیدن شیعیان، و مجروح، دستگیری و زندانی شدن شیخ زکراکی رهبر شیعیان نیجریه بود. (کیهان: ۱۳۹۴/۹/۲۳) با وجود این، اگر دقت کرده باشیم، متوجه خواهیم شد که وجه انسانی بسیج در پیاده‌روی اربعین خیلی بارزتر است، اما در بسیج منابع و امکانات از طرف عربستان سعودی، وجه مالی و سیاسی نمود بیش‌تری دارد و شاید به همین دلیل، رویکرد این‌گونه بسیج خشونت‌آمیز است؛ بنابراین، با از بین رفتن یا تقلیل این‌گونه حمایت‌ها و بسیج از طرف دولت‌های وهابی-سلفی، بسیج نیروی انسانی آن نیز فروکش خواهد کرد. با این حال، به همان اندازه که بسیج نیروها و منابع برای پیاده‌روی اربعین برای جمهوری اسلامی ایران مشروعیت‌بخش و اقتدارآور است، برای مخالفان جمهوری اسلامی مقابله با آن و در نتیجه اقدامات ضدبسیج از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع، پیاده‌روی اربعین به اندازه‌ای که پیامد سیاسی مثبت دارد، می‌تواند برخی پیامدهای سیاسی منفی نیز داشته باشد.

نتیجه

در پدیده‌هایی که منشأ فرهنگی دارند، بسیج نیروی انسانی اثرگذاری بیش‌تری از سایر منابع از قبیل مالی و سیاسی دارد؛ گرچه نمی‌توان بسیج منابع اخیر را نادیده گرفت. بسیج احساسات، عواطف و عقاید انسانی در این‌گونه متن / پدیده‌های اجتماعی، می‌تواند آثار و تبعات سیاسی زیادی داشته باشد. از این رو، در تقابل بسیج‌گرانه شیعیان در پیاده‌روی اربعین و بخشی از طرف‌داران (وهابی) اهل سنت که از طریق حمایت‌ها و بسیج عظیم منابع مالی دولتی صورت می‌گیرد، گروهی موفق خواهد شد که بتواند بر قلب، احساسات و عواطف بیش‌تر مردم سلطه یابد. شاید قرائت و تفسیر سیاسی از این پدید فرهنگی، به ابزاری غیر فرهنگی برای بسیج منجر شود، اما گراییدن به روش‌های مسالمت‌آمیز و غیرخشن، کاربرد و تأثیر آن را دوچندان خواهد کرد.

از این رو، ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران از هرگونه اقدام مستقیم نظامی و امنیتی در برگزاری آیین پیاده‌روی اربعین پرهیز کند؛ زیرا در این صورت، و در حالی که بسیج نیروی انسانی وهابی - سلفی، با رویکرد خشن و جنگ‌طلبانه، منطقه و جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است، می‌توان چهره‌ای صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز از اسلام واقعی ارائه داد. هم‌چنین آموزه‌هایی که در بطن و متن حماسه عاشورا و شخصیت امام حسین علیه السلام وجود دارد، در چنین زمانی، بیش‌تر دل‌ها را تسخیر خواهد کرد. حق‌جویی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی، آموزه‌هایی هستند که هر فطرت سالمی خواسته و ناخواسته بدان جلب می‌شود؛ به همین دلیل، هر سال افراد بیش‌تری از مذاهب و ادیان مختلف، در آیین پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنند. در نهایت، به هر میزان که بر زائران و عاملان آیین پیاده‌روی اربعین افزوده شود، با اثبات حقانیت جمهوری اسلامی ایران، بر مشروعیت و اقتدار آن افزوده خواهد شد.

فهرست منابع

۱. ایمانی خوشخو، محمدحسین و مهدیه بد، «گونه‌شناسی زائران کربلا بر اساس هدف و انگیزه سفر، مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین»، فصلنامه گردشگری و توسعه، سال پنجم، ش ۹، زمستان، ۱۳۹۵.
۲. براتعلی پور، مهدی، شهروندی و سیاست نوفضیلت‌گرا، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۲.
۳. بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۴. پاک‌نیا، عبدالکریم، «نگاهی به آموزه‌های دعای اربعین»، جمعی از نویسندگان، مقالات پژوهشی اربعین، تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۴.
۵. پالمر، ا. ریچارد، علم هرمنوتیک، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چ پنجم، تهران: هرمس، ۱۳۸۹.
۶. پورحسن، ناصر و عبدالمجید سیفی، «تقابل نوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سیزدهم، ش ۵۲، زمستان ۱۳۹۴.
۷. پیروزمند، علی‌رضا، «کارکرد تمدنی اربعین در جایگاه حلقه اتصال غدیر، عاشورا و ظهور»، پاسدار اسلام، سال ۳۵، ش ۴۱۷-۴۱۸، آبان و آذر، ۱۳۹۵.
۸. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام (ره)، ج ۱۳، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
۹. رضوانی، علی‌اصغر، سلفی‌گری (وها بیت) و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.
۱۰. روزنامه کیهان (۲۳/آذر/۱۳۹۴) شماره ۲۱۲۲۹ «صدها شهید، مجروح قربانی کینه آل‌سعود: انتقام حماسه اربعین از شیعیان مظلوم نیجریه».
۱۱. زارع خورمیزی، محمدرضا، «اربعین‌های خونین»، جمعی از نویسندگان، مقالات پژوهشی اربعین، ج ۱، تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۴.
۱۲. شمال‌نسب، سوسن، «مکتب تکفیر و مکتب اربعین»، فرهنگ اسلامی، ش ۳۰، دی‌ماه، ۱۳۹۴.
۱۳. شهرستانی، عبدالکریم، ملل و نحل، ج ۱، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی، تهران: اقبال، ۱۳۶۲.
۱۴. طوسی، محمدبن‌حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰ (زندگانی امام حسین علیه السلام)، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۹.

۱۶. مختاری، محمدحسین و مهدی سرلک، «روش‌شناسی نفی روش در هرمنوتیک فلسفی گادامر»، معرفت فلسفی، سال یازدهم، ش دوم، شماره پیاپی ۴۲، زمستان ۱۳۹۲.
۱۷. مرکز معارف تشیع، اربعین حسینی، مشهد: پیام طوس، ۱۳۹۴.
۱۸. موسوی، سیدمحمد، خدیجه یاری، بتول باغ‌فلکی و ایرج نیکجو، «تأثیر برگزاری مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی در کشور و افزایش شور و شوق بین مردم و به‌خصوص نوجوانان و نقش سازنده آن بر روی تربیت نسل ارزشی کشور»، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال اول، ش سوم، تابستان ۱۳۹۵.
۱۹. میرزازاده، فرامرز، «نشانه‌شناسی موج سوم خلافت‌خواهی: مبادی و پیامدها»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، ش دوم، تابستان، ۱۳۹۴.

انگلیسی

20. Christia, Fotini, Elizabeth Dekeyser, and Dean Knox, To Karbala: **surveying religious Shi'a from Iran and Iraq**, October 20, 2016.
21. Damor, David F. and Stephen p. Nicholson, "**Mobilizing interests: group participation and competition in direct democracy**", Springer, New York (11 august), 2013.
22. Etzioni, Amitai, "**Communitarianism**", Available at: Gibbons, Michael, The Encyclopedia of political thought, John Wiley & Sons, 2015.
23. Etzioni, Amitai, "**Mobilization as a macro sociological concept**", the British journal of society, Vol. 19, No. 3, 1968.
24. Ghadamer Hans-Georg, **Truth and Method**, Tr. By Joel Westheimer and Donald G. Marshal, New York: Continuum, 2006.
25. Moskalenko, Sophia and Clark McCauley (2009), "**Measuring political mobilization: the distinction between activism and radicalism**", Terrorism and political violence, vol. 21, p.239-260.
26. Ricoeur, Paul, **Hermeneutics and Human Science**, Cambridge: Cambridge University Press, 1982.
27. www.shia-news.com (۱۳۹۲/دی/۲۵) ۳۰۲۸۷ کد خبر:
28. www.yjc.ir (۱۳۹۵/آبان/۱۸) ۵۸۵۲۳۹۲ کد خبر:
29. www.qarar57.ir (۱۳۹۵/آذر/۱۸) ۸۰۵۷۲ کد خبر: